

نقش زبان فارسی

در همبستگی و هویت ملی

مهناز حسینی

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی، دبیر آموزش و پرورش
شهرستان خمینی شهر اصفهان



چکیده

یکی از عوامل عمده همبستگی اندام‌وار قومیت‌ها و اقلیت‌ها در سرزمین یکپارچه ایران اسلامی زبان فارسی است. هویت و زبان جوامع به خاطر ارتباطات بین آن‌ها در حال تغییر و دگرگونی است. زبان فارسی نیز از این قاعده جدا نبوده و همواره دچار تغییرات و دگرگونی شده لیکن هویت خود را به‌عنوان زبان ملی ایرانیان نگاه داشته است. شناساندن و آموزش آن به دیگران علاوه بر گسترش این زبان باعث پیشرفت آن و همچنین گسترش هویت ایرانی در جهان خواهد شد. در این مقاله که به شیوه علمی - مروری تهیه شده است، با تعریفی از هویت، به مسئله قومیت در ایران و نقش زبان فارسی در همبستگی ملی پرداخته می‌شود. در ادامه، به نقش فرهنگستان و بزرگان علمی در پاسداشت هویت ملی و زبان ایرانی اشاره می‌شود و در پایان راهکارهایی جهت صیانت از این زبان ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، هویت ملی.

مقدمه

«تمامی قومیت‌های ایرانی در درجه اول خود را ایرانی و در درجه دوم متعلق به قوم و قبیله و زادبوم خویش می‌دانند و همین امر یکی از عوامل عمده همبستگی اندام‌وار قومیت‌ها و اقلیت‌ها در سرزمین یکپارچه ایران اسلامی بوده است.» (خوشروزاده، ۶:۱۳۸۶) «در عصری که ارتباطات بین فرهنگ‌ها در عالی‌ترین درجه تاریخ بشریت قرار دارند، هویت همه جوامع رشد و نمو پیدا می‌کند؛ جوامع از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و تغییر می‌یابند. هویت جوامع و گروه‌های قومی هیچ‌گاه جامد و ایستا نبوده است. این هویت‌ها در زمانی که سرعت تغییرات و فرایندهای جهان‌شمول تا این حد زیاد است، جامد و تغییرناپذیر نیستند و نمی‌توان آن را در موزه‌ها برای نسل‌های آینده حفظ و نگهداری کرد. هویت ملی مجموعه گزاره‌ها و نشانه‌هایی است که چپستی و چگونگی عوامل قوام‌بخش و شناساننده یک واحد

سیاسی و مؤلفه‌های همبستگی آور آن را نشان می‌دهد. این مفهوم به‌عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید است که با ظهور و شکل‌گیری دولت‌های مدرن ملی ابتدا در اروپا پیدا شد و آن‌گاه در اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. به‌طور کلی، هویت ملی برآیند تمامی تقدیرهایی است که یک ملت را شکل داده‌اند و بر سه ستون اصلی استوار است: پیوندهای خاکی، پیوندهای خونی، و پیوندهای فرهنگی. هویت ملی را می‌توان از مبانی و مبادی اصلی مفهوم کشور - ملت دانست. سرزمین مشترک، منافع مشترک، حقوق و دولت مشترک و یک حس روان‌شناسی فردی و جمعی از عناصر هویت ملی هستند که ساختار بنیادین کشور - ملت را عینیت و مشروعیت می‌بخشند.» (ملکی، ۱۳۸۵)

قومیت در ایران

در ایران الگوهای فرهنگی - قومی بسیاری وجود دارند که به‌ظاهر یگانه و بیگانه از هم می‌نمایند اما در اصل همانند فرش‌های چشم‌نواز و نفیس ایرانی هستند که در زیر یک سقف حیات‌یافته و سرنوشت تاریخی - فرهنگی واحدی را رقم زده‌اند. متأسفانه گاهی بعضی افراد یا کشورها با نگاه‌های بدبینانه و جزئی و تک‌عنصری به مسئله قومیت و پرداختن به مؤلفه‌هایی که در راستای گرایش‌های سیاسی قرار دارند، به تلاش برای تفرقه‌افکنی میان ایرانیان و نشانه رفتن اقتدار و یکپارچگی آن پرداخته‌اند. نگاه صحیح به مسئله قومیت با نگاه جزء در کل، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. قومیت در ترکیب سایر عناصر هویتی ایرانی نمود می‌یابد و به‌عبارتی شاخه‌ای است از درخت تنومند ایران‌زمین و نقشی است بر فرش کثیرالنقش ایران. (یوسفی، ۱۳۸۹) در اثر زندگی مشترک هزاران ساله با وجود اندک تفاوت‌هایی، فرهنگ همه اقوام ایرانی به یک کل واحد تبدیل شده است. عمق این پیوستگی تا حدی است که حتی مدرنیسم و مناقشات سیاسی هم نتوانسته است کلیت آن را در هم بریزد. ریچارد تابر، محقق و ایران‌شناس معاصر، معتقد است: «گروه قومی به‌واژه‌ای که از گفتمان جامعه‌شناختی غربی به‌عاریه



گرفته شده برای مقولات بومی در ایران مفهومی نارسا و مانع از تحلیل ظرافت‌ها و ابهامات می‌شود.» (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۷۶-۱۷۱) اگر قومیت را یک عنصر از عناصر واحد سیاسی و فرهنگی ایران یا به‌عنوان یک ویژگی ذاتی ایران بنگریم، نتیجه چنین دیدگاهی یک ایران کامل، مقتدر، یکپارچه و زنده و پویا خواهد بود. تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به تجربه‌ای که از تاریخ کشور داشته‌اند قومیت را با عبارت اقلیت ذکر نکرده‌اند؛ زیرا ایران سرزمینی برای همه ایرانیان است و کثرت آن در وحدت و وحدت آن در کثرت معنا پیدا می‌کند. از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در نظام سیاسی ایران هیچ‌گونه اجحافی به قومیت‌ها روا داشته نخواهد شد. همه با هم برادر و از حقوق مساوی برخوردارند. امام خمینی (ره) فرمودند: «کردها و سایر دسته‌جاتی که هستند و زبان‌های مختلف دارند، این‌ها همه برادران ما هستند و ما با آن‌ها هستیم و آن‌ها با ما هستند و همه اهل یک ملت و یک مذهب هستیم.» (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۲۶۲) هویت ملی و فرهنگی و اسلامی ایرانیان و عناصر تشکیل‌دهنده آن همواره نقش و کارکرد اصلی را در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و اتحاد مستحکم آنان در سراسر ایران ایفا نموده است. ریشه تاریخی، نژاد مشترک، فرهنگ ملی، دین، مشاهیر ملی، آرمان سیاسی مشترک، زبان هماهنگ‌کننده، تعلق به سرزمین، و اشتراک نمادها در لایه‌های مختلف زندگی و مؤلفه‌های هویت‌بخش هر ایرانی به رغم تفاوت‌های آن‌هاست. عنصر مسلمان بودن در کنار مؤلفه‌های ایرانی بودن در تعمیق پیوند میان اقوام ایرانی مؤثر واقع شده است.

زبان فارسی و هم‌بستگی ملی

«زبان را پایه و مایه فرهنگ تاریخ‌ساز و مهم‌ترین وسیله انتقال تجارب، دانش و بینش بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان دانسته‌اند. همچنین آن را عمده‌ترین ابزار یادگیری بشر در جریان کنش متقابل معرفی کرده و برخی ابزار تفکر انسان دانسته‌اند. زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت شمرده‌اند. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن در ایجاد همبستگی گروهی است. افرادی مانند هردر، مازینی و فردریک شومان زبان را در هویت‌بخشی سیاسی دارای نقش اول تلقی می‌کنند ولی هابزباوم و بارکر برای آن نقش ثانوی قائل‌اند. زبان تنها یک وسیله خنثی در روابط متقابل انسان‌ها نیست، بلکه از بار فرهنگی و سیاسی بسزایی برخوردار است.» (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۹۹) برخی صاحب‌نظران از زبان به‌عنوان محور و اساس شکل‌گیری فرهنگ یاد می‌کنند و معتقدند که تعلق به ترکیب خاص زبانی و لهجه‌ها و گویش‌های محلی و حتی الفاظی که در ساختار زبان به کار می‌رود، محدوده و دایره هویت را مشخص می‌کند. زبان فارسی مهم‌ترین عنصر هویتی ما ایرانیان است؛ چون

هر عنصر دیگری که بخواهد خود را به‌عنوان یک عنصر مهم معرفی کند، باید از طریق این زبان کارش را انجام دهد. زبان فارسی همواره در ایران به‌صورت یک زبان رابط به‌کار رفته و از پیوستگی قومی جدا بوده است. به‌وجود آمدن این زبان در جنوب ایران، رشدش در غرب ایران و تکاملش به دست ادیبان خراسانی خود بهترین نشانه از بی‌قوم بودن این زبان است. چه بسا پادشاهانی که زبان مادری‌شان فارسی نبوده، اما از زبان فارسی برای ارتباط استفاده کرده‌اند. حتی ایرانی‌ترین این پادشاهان، آل‌بویه و آل‌زیار هم خود دیلمی زبان بوده‌اند. (ثاقب‌فر، ۱۳۶۷) زبان به‌عنوان یک مؤلفه هویتی همه اقوام را با هویت ملی ایرانی پیوند می‌زند. وقتی ایرانی به‌عنوان صفت قوم به کار برده می‌شود، بدان معناست که ماهیت اقوام در ایران، ایرانیست. هر یک از اقوام ساکن ایران بخشی از فرهنگ ایران را شکل می‌دهند. خاستگاه و تبار آحاد ملت ایران آریایی می‌باشد و نام ایران یعنی سرزمین آریایی‌ها. زبان پارسی با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و به‌عنوان زبان ملی و رسمی ایران شناخته شده است، هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. در سال ۱۸۷۲ در نشست ادیبان و زبان‌شناسان اروپایی در برلین، زبان‌های یونانی، فارسی، لاتین و سانسکریت به‌عنوان زبان‌های کلاسیک جهان برگزیده شدند. زبانی کلاسیک به‌شمار می‌آید که باستانی باشد، ادبیات غنی داشته باشد و در آخرین هزاره عمر خود تغییرات اندکی کرده باشد. زبان فارسی پس از عربی زبان دوم اسلام است و امروزه هم‌گروندگان به اسلام در چین و دیگر نقاط آسیا فارسی را به‌عنوان زبان دوم متون اسلامی پس از عربی می‌آموزند. دیگر زبان‌ها از زبان فارسی واژه‌های زیادی را وام گرفته‌اند. شمار وام‌واژه‌های فارسی در زبان انگلیسی ۸۱۱ واژه است. فارسی از نظر شمار و تنوع ضرب‌المثل‌ها در میان سه زبان اول جهان است. (رحماندوست، ۱۳۸۷) دامنه واژگان و تنوع واژه‌ها در فارسی همچنین بسیار پرمایه است و فارسی یکی از غنی‌ترین زبان‌های جهان از نظر واژه‌ها و دایره لغات به‌شمار می‌آید. در کمتر زبانی فرهنگ لغاتی چون دهخدا (در هجده جلد) و یا فرهنگ معین (در شش جلد) دیده می‌شود. زبان فارسی امروزی ریشه در فارسی میانه دارد و فارسی میانه ریشه در فارسی باستان. (گیلبرت، ۱۹۷۵) فارسی تنها زبان ایرانی است که هر سه دوره تاریخی آن ثبت شده و از آن‌ها نوشتارهایی به‌جامانده است.

نقش فرهنگستان و بزرگان علمی در پاسداشت هویت ملی و زبان ایرانی

در آغاز رویارویی زبان فارسی و عربی، در میان فارسی‌زبانان دو گرایش وجود داشت: گروهی فارسی‌گرا بودند و گروهی عربی‌گرا. فارسی‌گرایان که ابن‌سینا و جوزجانی و ناصر خسرو و افضل‌الدین کاشانی از مهم‌ترین آنان بودند، بر این باور بودند که باید برای



واژه‌های عربی و یونانی که در عرصه دانش و فلسفه مطرح است برابرهایی فارسی برگزید. در مقابل اینان عربی‌گرایان قرار داشتند که معتقد به وام‌گیری از زبان عربی بودند. در آن زمان این گرایش غلبه یافت و فارسی به مدت چند سده به وام‌گیری گسترده از زبان عربی پرداخت. این گرایش موجب شد که وام‌گیری به عادت فارسی‌زبانان تبدیل شود. این عادت هنوز هم پابرجاست، اما زبان عربی جای خود را به زبان‌های انگلیسی و (تا چندی پیش از آن فرانسه) سپرده است. (طباطبایی، ۱۳۸۰) فردوسی با سرودن شاهنامه در سده چهارم تأثیر مهمی بر بازیافت بسیاری از واژه‌های گم‌شده زبان فارسی داشت و خود این تأثیر را در شاهنامه اعلام کرده است. اگر کوشش‌های خودجوش فردوسی نبود، هویت فارسی امروز بسیار بیش از این به‌خطر می‌افتاد.

برخی از نخستین کتاب‌هایی که در اواخر سده چهارم هجری به زبان فارسی دری نوشته شدند، کتاب‌های علمی بودند و در سده پنجم کتاب‌های علمی بسیاری به زبان فارسی نوشته شد. ابن‌سینا و بیرونی کتاب‌هایی به زبان فارسی نوشتند که در آن‌ها واژه‌های علمی فارسی بسیاری ساخته شده است. از آن جمله می‌توان به «دانشنامه‌ی علائی» نگاشته ابن‌سینا اشاره کرد.

در جریان نوسازی ایران در دوران رضاشاه پهلوی، فرهنگستان ایران در سال ۱۳۱۴ برای هماهنگ کردن کار واژه‌سازی تشکیل شد که مهم‌ترین دستاورد آن ساخت واژه‌هایی جایگزین برای واژه‌های بیگانه بود که امروزه بسیاری از آن‌ها در گفتار و نوشتار ایرانیان به‌کار

می‌روند؛ مانند واژه‌های «دانشگاه» معادل واژه «یونیورسیتی» و شهرداری که معادل واژه بلدیة است. در سال‌های آغازین سده بیستم میلادی کوشش‌های بسیاری برای وضع اصطلاح‌های نو و واژه‌های علمی فارسی آغاز شد (جعفری، ۱۳۷۱).

افراد و گروه‌های جداگانه‌ای دست به کار واژه‌گزینی زدند و جداگانه معادل‌های بسیاری برای واژه‌های علمی وضع کردند. در سال ۱۳۱۱ در «دارالمعلمین عالی» انجمنی برای واژه‌گزینی علمی به سرپرستی عیسی صدیق و زیر نظر حسین گل‌گلاب و محمود حسابی بنا نهاده شد که معادل‌هایی برای سه‌هزار اصطلاح علمی وضع کرد و بیشتر این معادل‌ها از پذیرش همگانی برخوردار شد. در آغاز کار فرهنگستان اول، برخی از اهل قلم با واژه‌سازی مخالفت‌هایی کردند و حتی واژه‌های نوساخته را به ریشخند گرفتند اما فرهنگستان زبان فارسی به کار خود ادامه داد و واژه‌هایی ساخت که اینک در جامعه فارسی‌زبان ایران تداول کامل دارند؛ برای نمونه: بازداشت، کودکان، شهرداری، دادگاه، دادستان، نمایشگاه،

حزه، گرده‌افشانی، فرودگاه و هزاران واژه دیگر (طباطبایی، ۱۳۸۰). بسیاری از واژه‌هایی که در فرهنگستان ایران ساخته شد آن‌چنان در زبان فارسی پذیرفته و رایج شده‌اند که امروزه کمتر فارسی‌زبانی توجه دارد که واژه‌هایی مانند گزارش، شناسنامه، بخشنامه، شهرستان، بازتاب، روی هم رفته، جلبک، دادسرا، بهداری و دارایی از ساخته‌های فرهنگستان بوده‌اند.

واژه‌های جایگزین پیش از انقلاب به وسیله بخشنامه به سازمان‌ها و اداره‌های دولتی اعلام می‌شد و کاربرد آن‌ها الزامی بود. پذیرش و رواج برخی از این نوواژه‌ها در زبان گفتار یا در متن‌های علمی راه را برای واژه‌سازی با ساختن ترکیب‌های تازه‌تر با آن‌ها یا ساختن شکل‌های قیاسی همانند آن‌ها هموار کرد. چنان که ساختن «جشنواره» برای «فستیوال» راه را برای ساختن «ماهواره» هموار کرد و با ساخت «پیشوند» و «پسوندها» راه برای ساخت «شهروند» هموار شد (آشوری، ۱۳۸۲). دستاورد واقعی فرهنگستان زنده

کردن بخشی از توانایی‌های زبان فارسی بود که همواره در زبان شعر زنده بوده است اما در زبان علمی و زبان اداری، به دلیل غلبه دوزبانگی دانشوران و دیوانیان با زبان عربی، از میان رفته بود. به سبب کوشش‌های فرهنگستان و مترجمان اکنون دستگاه صرفی زبان فارسی بسیار فعال‌تر از گذشته شده است. استفاده از توانمندی‌های دستگاه واژه‌های زبان فارسی - که از دستاوردهای فرهنگستان زبان بود - باعث بارآوری و زایایی بیشتر فارسی شد و دست مترجمان علمی را باز کرد (معصومی همدانی، ۱۳۸۲). کتاب‌ها و مقاله‌های علمی

منتشر شده به زبان فارسی رشدی فزاینده داشته‌اند و شمار افزون‌تری از دانشمندان و پژوهشگران دست‌اندرکار نگارش و ترجمه آثار علمی و گزینش برابرهایی مناسب فارسی برای اصطلاح‌های علمی شده‌اند. مطالب علمی و فنی در رشته‌های گوناگون به زبان فارسی نوشته شده‌اند و به تدریج زبان فارسی برای بیان آن‌ها پرورده شده است. در سال ۱۳۹۰ خورشیدی حدود پنجاه گروه تخصصی واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی فعالیت داشتند و از زمان انقلاب ۵۷ تا این سال بیش از ۳۵ هزار برابر فارسی برای واژه‌های بیگانه به تصویب رسیده که در هشت دفتر انتشار یافته است (فرهنگستان زبان فارسی).

پیشنهادهای کاربردی

آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد و توجه مسئولان امر را می‌طلبد، علاقه‌مند کردن کودکان و جوانان این مرز و بوم به هویت ملی و زبان فارسی است. به این منظور لازم است در کتاب‌های درسی موارد مربوط به آموزش این زبان با شیوه‌ای مطلوب و جذاب مطرح گردد و از دبیران

هویت ملی و فرهنگی و ایرانیان و عناصر تشکیل‌دهنده آن همواره نقش و کارکرد اصلی را در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و اتحاد مستحکم آنان در سراسر ایران ایفا نموده است



علاقه‌مند و آشنا به آموزش برای تدریس استفاده شود. لازم است برای آموزش به کودکان دوزبانه برنامه‌ریزی ویژه‌ای صورت گیرد. باید از جداسازی قومیت‌ها و قومیت‌گرایی پرهیز کرد و به مسئله وحدت ملی توجه نمود. همچنین با احترام به اقوام مختلف ایرانی زمینه‌هایی را نیز برای پاسداشت آن زبان‌ها و فرهنگ‌ها تمهید نمود؛ از آن جمله می‌توان به چاپ کتب درسی با محتوای بومی، اجرای برنامه‌های صدا و سیمای آن مناطق به زبان محلی، اجرای جشنواره‌ها و همایش‌های کشوری برای معرفی سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی ایران اشاره کرد. با استفاده از صاحبان فنون و افراد آشنا در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی باید بر سرعت واژه‌گزینی و انتخاب واژگان مناسب و صحیح برای لغات وارد شده به این زبان افزود. همچنین با تأسیس و راه‌اندازی رشته آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای دیگر به گسترش آن کمک کرد.

نتیجه‌گیری

تردیدی نیست که عوامل مختلفی تشکیل‌دهنده هویت ملی ایرانیان هستند. عمده‌ترین عناصر و اصلی‌ترین گزاره‌های هویت ملی را می‌توان در زبان، نژاد، دین و مذهب، تاریخ مشترک، سرزمین مشترک، میراث‌ها و نمادها و احساسات و علایق مشترک شناخت. نکته‌ای که باید متذکر شد این است که نباید گروه‌های هویت‌طلب را با گروه‌های تجزیه‌طلب یکی بدانیم؛ چرا که اصلی‌ترین شاخصه انسان اجتماعی هویت اوست که عبارت است از هویت فرهنگی، دینی، جغرافیایی و ... هویت‌طلبی هیچ ارتباطی با مسائل سیاسی چون تجزیه و الحاق و یا به زیر یک پرچم جمع کردن یک ملت یا قوم ندارد. یک عرب هویت‌طلب می‌تواند از فرهنگ و زبان، دین و موجودیت تباری خود حفظ و حراست نماید ولی عاشق کشور خودش باشد و این نباید با پان عربیسم اشتباه گرفته شود (نظری، ۱۳۸۴). فرایند غربی شدن فرهنگ، جهانی است. اگر از ادعاهایی مانند پایان تاریخ صرف‌نظر کنیم، در این نکته تردیدی نیست که گسترش فرهنگ غرب در اغلب نقاط دنیا و از جمله کشور ما جدی است. فرایند جهانی شدن فرهنگ، هویت ملی کشورها را دچار تعارض و تنش می‌سازد. پیوندهای ملی و بومی سبب پایداری جامعه و یا ایجاد هویت واحد می‌شوند. بی‌هویت جلوه دادن اقوام و ایجاد تفرقه‌های فرهنگی زبانی موجبات گسستگی پیوندهای

اجتماعی را فراهم می‌آورد و هویت ملی و فرهنگی را خدشه‌دار می‌سازد. زبان فارسی جزء هویت ملی ما ایرانیان است و یکی از مهم‌ترین راه‌های گسترش آن آموزش است. زبان به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت فرهنگی جامعه نقش کلیدی دارد. با توجه به جایگاه و شأن بالای زبان فارسی در میان مردم ایران و نگرش مثبت آن‌ها به این زبان، توجه به آموزش و گسترش آن از اهمیت زیادی برخوردار است. آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان یکی از راه‌های گسترش هویت فرهنگی و فرهنگ اسلامی ایرانی تلقی می‌شود. یکی از راه‌های انتقال فرهنگ و هویت ایرانی، گنجاندن آن در کتاب‌های آموزش زبان فارسی است که می‌تواند در دراز مدت یکی از راه‌های هویت‌سازی و بازسازی هویت در فارسی‌زبانان و حفظ و هویت فرهنگ ایرانی در میان غیرفارسی‌زبانان باشد. زبان به‌عنوان یک میراث بشری، سوای تعلق خاطر به هر زبانی، بسیار بیش از این‌ها ارزش دارد که برای حفظ آن دست به کاری نزد و فقط منتظر ماند. چرا برای حفظ یک بنا یا اثر تاریخی کوشش‌ها به‌عمل می‌آید؟ زیرا آن بنا شکوه و عظمت دوره‌ای را به نمایش می‌گذارد و قابل پاسداشت است. زبان نیز به‌عنوان یک دستاورد بشری (که قابل مقایسه با هیچ یک از دستاوردهایش نیست)، از ارزش بسیار والایی برخوردار است و برخوردهای سیاسی و عقیدتی با آن نابخشودنی خواهد بود.

منابع

۱. آشوری، داریوش؛ *بازاندیشی زبان فارسی*، نشر مرکز، چاپ سوم، تهران: ۱۳۸۲.
۲. احمدی، حمید؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، نشر نی، تهران: ۱۳۸۲.
۳. ناقیفر، مرتضی؛ *ناسیونالیسم ایرانی و مسئله ملیت‌ها در ایران*، مرکز پژوهش‌های کاربردی، تهران: ۱۳۶۷.
۴. جعفری، مهرداد؛ «تطور زبان فارسی در آموزش فیزیکی»، فصلنامه رشد آموزش فیزیک، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان، ۱۳۷۱.
۵. خوشروزاده، جعفر؛ «هویت ملی، تعاریف و مؤلفه‌های آن»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۸۶، ۲۳۹-۸.
۶. خلیفه، حسین؛ «تأثیرپذیری متقابل هویت و نام»، ماهنامه پیوند، آبان، شماره ۳۹۷، وزارت آموزش و پرورش، تهران: ۱۳۹۱.
۷. خمینی (امام)، روح‌الله؛ *صحیفه نور*، جلد ششم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۷.
۸. رحماندوست، مصطفی؛ *فوت کوزه‌گری: مثل‌های فارسی و داستان‌های آن*، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۷.
۹. رضایی، سیدمحمد؛ *گفتن‌های هویتی در ایران معاصر و مسئله زبان*، در گفتارهایی درباره زبان و هویت، به اهتمام حسین گودرزی، مؤسسه مطالعات ملی، تهران: ۱۳۸۶.
۱۰. فرهنگستان زبان فارسی؛ «هم‌اندیشی انجمن‌های علمی و برون سپاره واژه‌گزینی»، ۱۲ آذر، ۱۳۹۰.
۱۱. طباطبایی، سیدعلاءالدین؛ «ضرورت و موانع واژه‌سازی»، *مجله نشر دانش*، سال هجدهم، بهار، ۱۳۸۰.
۱۲. معصومی همدانی، حسین؛ «واژه‌گزینی و استقلال زبان فارسی»، *مجله نشر دانش*، سال بیستم، شماره ۱ بهار ۱۳۸۲.
۱۳. ملکی، عباس؛ «کندوکاوی در ریشه‌های انقلاب ایران»، *همشهری دیپلماتیک*، دی ماه، ۱۳۸۵.
۱۴. نظری، عیسی؛ «هویت‌طلبی»، *هفته‌نامه نوید آذربایجان*، چهارم بهمن، ۱۳۸۴.
۱۵. یوسفی، جعفر؛ *قوم لر*، امیرکبیر، تهران: ۱۳۸۹.

16. Gilbert, Lazard (1975) *The Rise of the New Persian Language* in Frye, R. N. *The History of Iran*, Vol. 4, pp. 595-632, Cambridge: Cambridge university.